

درس هشت - Am Wochenende

written by مرتضی غلام نژاد | ژوئن 6, 2022

درس هشت که اولین درس از کتاب Schritte Plus 4 هستش رو با هم شروع می کنیم.

در بخش اول این درس با عنوان :

Das Wetter ist nicht besonders schön. Trotzdem wollen wir mal für zwei Tage raus hier

آن هوا به طور ویژه ای زیبا نیست. با این وجود ما می خواهیم برای دو روز از اینجا خارج شویم.

شاید ما در جمله بندی های فارسیمون خیلی از این نوع گفتار استفاده نکنیم اما این نوع و تفکر و جمله بندی آلمانی هستش که همین عنوان درس با تفکر فارسی به این صورت است : با اینکه هوا خیلی خوب نیست باز ما می خواهیم برای دو روز از اینجا بریم. یا مثلاً با وجود اینکه هوا خیلی تعریفی نیست باز ما می خواهیم برای دو روز از اینجا بریم.

در این بخش از درس نگاهی داشته به حرف ربط trotzdem به معانی : با وجود ، با اینکه ، با این وجود ، با این حال

اما حرف ربط کارش چیه ؟ این حروف ربط به ما کمک می کنند که ما بخش اول جمله رو به خوبی ارتباطش بدیم به بخش دوم اون و در مجموع یک جمله با معنی و مفهوم درستی رو بازگو کنیم.

در همین عنوان درس بخش اول جمله به این صورت است.

Das Wetter ist nicht besonders schön هوا خیلی تعریفی هم نیست

و بخش دوم جمله ما

Wir wollen mal für zwei Tage raus hier ما می خواهیم برای ۲ روز از اینجا بیرون بریم.

اگر هر کدوم از این بخش ها رو به تنهایی بگیریم از نظر مفهومی و فهم تاثیر گذار نیستن مثلاً من به شما میگم. هوا بارونی هستش ، خب این بخش تنها به شما توصیفی از یک هوا رو بیان میکنه یا مثلاً بگم نمی خوام برم فوتبال بازی کنم ، باز این هم بیان یک خواسته از طرف من هستش، ولی حروف ربط با قرار گرفتن میان این دو جمله مفهوم تازه تر و بهتری هم از هوا و هم از خواسته ما در اون لحظه رو بیان میکنه.

هوا خیلی خوب نیست. با این حال من میخوام به فوتبال بروم.

هوا خیلی خوبه ، با این وجود وقت فوتبال بازی کردن ندارم

Simon hat keine Lust. Trotzdem macht er Matheaufgaben

سیمون حوصله نداره ، با این وجود تکالیف ریاضی را انجام میدهد.

Simon hat keine Lust. Er macht trotzdem Matheaufgaben

سیمون حوصله نداره . او انجام میدهد با این وجود تکالیف ریاضی را

اما نکته ای که در این بخش وجود داره اینه که trotzdem در کجای جمله بهتر هستش که بیان بشه. ببینید ما همیشه بخش اول جمله رو میگیریم حالا هرچی که هستش مثلا من تشنه هستم ، و بعدش می تونیم سریعا از حرف ربط استفاده کنیم. یعنی بخش دوم جمله رو با trotzdem شروع کنیم. یا اینکه نه می تونیم بخش از قسمت دوم هم بگیریم و بعد بگیریم با این وجود ...

trotzdem در ابتدای بخش دوم :

من تشنه هستم. با این وجود نمیروم آب بخورم.

trotzdem در وسط بخش دوم :

من تشنه هستم. نمیروم با این وجود آب بخورم.

پس در هر دو حالت کاملا صحیح هستش و اون بستگی به شما داره که روی چه بخش از قسمت دوم بخواهید تاکید بیشتری داشته باشید.

می تونید در تصویر اول مثال ها و تمرینات رو انجام بدید تا به خوبی این بخش رو یادگیرید.

و اما بخش دوم این درس با عنوان :

Ich hätte gerne mal ein bisschen Ruhe

ای کاش کمی آرامش میداشتم

در این بخش اشاره کرده به جملات آرزویی و حسرتی ، چیزی که در حال حاضر وجود نداره و شکلی از آرزو و حسرت رو همیشه به دنبال داره اما می تونه گاهی هم به حقیقت پیونده. مثلا شما آرزو می کنید یک ماشین خوب بخرید. اما در حال حاضر پول خریدش رو ندارید. اما خدا رو چه دیدی شاید فردا روزی کار و کاسبیتون رونق بگیره و یک ماشینی که قبلا آرزو و رویا بوده و کمی هم حسرت در اون نهفته بوده رو به دست بیارید و شکل واقعی بگیره به خودش. این مثال ها و توضیحات برای اینه که شما با Konjunktiv 2 در زبان آلمانی آشنا بشید. ما این زمان رو به طور به خصوصی در گرامر فارسی نداریم. اما جملاتی در این زمینه داریم که در اون آرزو و حسرت هم وجود داشت باشه که ما معمولا میگم. ای کاش پول داشتم، اونوقت یه ماشین خوب میخریدم. یا مثلا میگیرم. ای خدا چی میشد یه ماشین هم من داشتم و یا خدا کنه یه ماشین خوب بگیرم بیاد و

در زبان آلمانی برای این نوع جملاتی که با آرزو و حسرت همراه هستش یک زمان جدا ساخته اند که نشانه این زمان افعال به کار برده اون هستش. شما برای اینکه تصویری واضح تر از این زمان داشته باشید به این مثال دقت کنید.

اگر ۱۰ هزار یورو پول میداشتم ، به ماشین خوب برای خودم می خریدم.

Wenn ich 10,000 Euro hätte, würde ich mir ein gutes Auto kaufen

که میشه این جمله رو به این صورت هم بگیم :

ای کاش ۱۰ هزار یورو میداشتم ، اونوقت به ماشین خوب برای خودم میخریدم.

چی میشد ۱۰ هزار یورو میداشتم ، به ماشین خوب برای خودم میخریدم.

پس زمان Konjunktiv 2 به این صورت است که گفتیم نشانه اون فعل جمله است.

برای فعل sein

Ich bin -> wäre من هستم -- هستم به همراه آرزو و یا حسرت

Du bist --> wärst تو هستی ... هستی به همراه آرزو و یا حسرت

برای فعل haben

Ich habe -> hätte من دارم -- دارم به همراه حسرت و آرزو

Du hast -> du hättest تو داری -- داری به همراه حسرت و آرزو

برای فعل werden

که این فعل رو برای ساختن زمان آینده نیز استفاده می کنیم که اگر در زمان Konjunktiv 2 باشه اونوقت جمله آرزویی و حسرتی ما نیز برای آینده باشه اونوقت این فعل صرف میشه و فعل اصلی به همان حالت خودش میاد و هیچ تغییری نمیکنه

Ich werde gehen میخواهم برم (آینده)

Ich würde gehen آرزو و حسرتی وجود داره برای این رفتن . حالا یا نمی تونم یا پام درد میکنه یا هزار و یک چیز دیگه وجود داره که باعث شدن این رفتن اتفاق نیافته.

اگر هنوز و همچنان با Konjunktiv 2 مشکل دارید این جزوه رو مطالعه کنید (دانلود کن)

در قسمت B1 در بخش اول واقعیت ماجرا رو در یک جمله توصیف کرده اما در قسمت بعد اومده شکلی از خواسته که همراه با آرزو و حسرت در اون لحظه هستش رو بیان کرده

مثلا این جمله :

Wir fahren eigentlich nie ohne die Kinder weg

در واقع ما هرگز بدون بچه ها مسافرت نمیرویم

و حالا چیزی که اینها آرزوش رو دارن اتفاق بیافته و شاید نیافته و یا تا اون لحظه نیافتاده رو بیان میکنن.

Wir würden gerne mal wieder allein wegfahren

ما خیلی دوست داریم تنهایی مسافرت بریم — که در اینجا این زن و شوهر دوست دارن دو تایی فقط به مسافرت برن و دیگه بچه ها رو نبرن. اما ما این جمله رو در فارسی شاید اینگونه بگیم.

ای کاش می شد خودمون دو تا میرفتیم.

ای کاش ما می تونستیم خودمون دو تا مسافرت میکردیم.

پس اینگونه ما می تونیم در زمان حال و واقعیت ، خواسته ای که همراه با آرزو و حسرت هم هستش رو بیان کنیم.

و در بخش C این درس اشاره ای هم به افعال کمکی در زمان Konjunktiv 2 داشته

با عنوان : Ich könnte rübergehen

rübergehen یک فعل جدا شدنی و مفهوم اون از محلی به محلی دیگه رفتن ، از جایی به جایی دیگه رفتن. الان اینجا می تونی میخوای جایی دیگه باشی. و ...

könnten توانستن ۵۰ در صدی هستش مثلا من میتونم بیایی که شاید توش حالا نتونم پیام معلوم نیست.

می تونیم برای عنوان درس این رو انتخاب کنیم

من می تونم از اینجا به جایی دیگه برم ، شاید هم نتونم

حالا شاید هم نتونیم این عنوان رو انتخاب کنیم ، کی میدونه !! (Konjunktiv 2)

Wir könnten doch mal wieder tanzen gehen

ما می تونیم باز دوباره بریم برقصیم. (حالا شاید هم نتونیم)

doch mal -> برای تاکید در جمله هستش

Könntest du mir bitte helfen

می تونی لطفا به من کمک کنی (حالا شاید هم نتونه)

اما وقتی میگیم

Kannst du mir bitte helfen

یعنی اطمینان داریم که طرف می تونه کمک کنه و ما ازش میخوایم که اینکارو کنه اما در Konjunktiv 2 به این صورته که ما خودمونم اطمینانی نداریم که طرف بتونه یا اگر هم بتونه اطمینانی نداریم که بهمون این کمک رو کنه. پس به دلیل همین دو دلی و اطمینان نداشتن از حالت Konjunktiv 2 این فعل کمکی استفاده میکنیم.

بخش C2 و همچنین C3 نیاز به سی دی صوتی کتاب داره که شما می تونید فقط نوع گفتن جملات آرزویی رو یاد بگیرید و تصویری که باید توی ذهنتون در مورد با این جمله ساخته بشه رو شروع کنید به کشیدن و تصور کردن ، که مشابه اون جمله چه چیزی می تونه توی زبان فارسی باشه!

و در آخر تمام لغات جدید این درس به همراه نکات گرامریش

نکته گرامری یک : استفاده از حرف ربط trotzdem

نکته گرامری دو : Konjunktiv 2 و سه فعل sein, haben, werden در این زمان

نکته گرامری سه : ساخت زمان آینده در Konjunktiv 2

نکته گرامری چهار : کاربرد فعل کمکی können در زمان Konjunktiv 2

موفق باشید.